رابطه‌ی بین مذهب و نقش ستاره بر روی مدال و نشان‌های دوره قاجار

اکرم محمدی‌زاده،[1] فاطمه دهقانی[2]

چکیده

در تاریخ و فرهنگ بشر، نقوش ستاره‌ای شکل جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده‌اند و به نمادی مقدس و معنوی برای بسیاری از ادیان در سراسر جهان تبدیل شده‌اند. این نقوش از قدیم تاکنون بسته به فرهنگ و اعتقادات مردم، معانی متفاوتی را انتقال داده‌اند؛ و به عنوان نمادهایی از روشنایی، جلال و زیبایی شناخته می‌شدند و مردم نیز در طراحی و ساخت آثار هنری خود از این نمادگرایی بهره برده و نقش ستاره‌ای را به عنوان نمادی از تألق و زیبایی در آثارشان به کار برده‌اند. در دوره قاجار، به علت تعاملات ایران با اروپا، مدال‌ها به عنوان نشان‌هایی از افتخار و قدرت رواج پیدا کردند. اولین مدال‌ها با نقوش شیر و خورشید ساخته می‌شدند و برخی از آنها دارای فرم ستاره‌ای شکل بودند. این مقاله در صدد پاسخگویی به این پرسش‌ها است که نقوش ستاره‌ای شکل مدال‌های دوره قاجار دارای چه مفاهیمی بوده است؟و چه تغییر و تحولاتی را پذیرفته است؟ شناسائی مفاهیم نقوش ستاره‌ای شکل مدال‌های دوره قاجار، و تغییر و تحولات این نقش بر روی مدال‌های دوره قاجار از اهداف این پژوهش است. این پژوهش براساس هدف بنیادی و از حیث ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تاریخی و تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی است. شیوه‌گردآوری اطلاعات بر مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و همچنین کتب و مقالات الکترونیکی استوار است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که: به طور کلی مدال‌های دوره قاجار دارای معانی و مفاهیم پنهانی بوده است که این مفاهیم به صورت تعداد پره‌ها در مدال‌ها نشان داده می‌شد، این مفاهیم شامل: احکام دین، پیامبران اولوالعزم، پنج تن آل‌عبا، خلقت و آفرینش، تجلیات وجودی خداوند، دوازده امام و سایر موارد بوده‌اند.

کلید واژه: مدال‌های قاجار، نشان‌های قاجار، نقش خورشید، نقش ستاره

[1] - استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
a.mohammadizadeh@tabriziau.ac.ir
[2] - دانشجوی دکتری هنراسلامی، دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنراسلامی تبریز، تبریز، ایران.
Fatemeh.dehghany13@gmail.com

مقدمه

از دوران هخامنشی(۵۵۰ تا ۳۳۰ پ.م) تا به امروز، تشویق و تقدیر از خدمتگزاران همواره در نظر شاهان ایران بوده است. شاهان ایران تلاش کرده‌اند با اهدای نشانه‌های ارزشمند و امکانات شخصی سلطنتی، افرادی که در خدمت دولت و جامعه بوده‌اند را تشویق و تقدیر کنند. این نشانه‌ها شامل مواردی مانند شمشیر، خنجر، سپر، انگشتر، خاتم، یراق‌های خاص و غیره می‌شدند. این اقدامات نشانگر اهمیتی است که شاهان ایران برای قدردانی از خدمات ارزشمند افراد می‌گذاشتند. سابقه مدال در ایران به قبل از اسلام بر می‌گردد. قدیمی‌ترین مدال کشف شده مربوط به بهرام سوم[۳](۲۹۳م)، پادشاه ساسانی می‌باشد که دارای شکل بیضی و سیمین است (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۴۹: ۱). در دوره‌ی اسلامی تا قبل از دوره قاجاریه، نشان و مدال افتخار وجود نداشت و صاحب منصبان حکومتی و رجال دولتی از طریق لباس، کمربند، خنجر، کلاه و سایر عناصر مشابه، توسط افراد جامعه قابل تشخیص بودند (سید بنکدار وکمالوند، ۱۳۹۸: ۸۳) اما با گسترش تعاملات ایران و اروپا در عصر قاجار، برخی مسائل مربوط به تشریفات و مدال‌ها وارد دربار شد. به عنوان مثال، نشان‌های دولتی را به نمایندگان کشورهای خارجی، مقامات کشوری و لشکری داخلی اهدا می‌شدند.(علیزاده بیرجندی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲) این مسأله‌ها نشانگر افزایش تعاملات ایران با دیگر کشورها و ورود عناصر جدید به ساختارهای درباری در آن زمان بود. از دوره آقا محمدخان (۱۲۰۹تا ۱۲۱۱ه.ق) به بعد، رسم اعطای نشان و مدال به شکل سکه‌های بزرگ و گاهی مربعی شکل صورت می‌گرفت. دردوره‌ی فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲تا ۱۲۵۰ ه.ق) نشان شیر و خورشید ایجاد شد که برخی از این نشان‌ها در بردارنده نقش ستاره هستند، اما به خاطر نقش وسط مدال‌ها که شیر و خورشید بود، به این عنوان شناخته می‌شدند و نقوش ستاره‌ای شکل مدال‌ها نادیده گرفته می‌شود. علی‌رغم وجود چنین نقوشی اما تا کنون پژوهش مستقلی درباره نقوش ستاره‌ای شکل مدال‌ها صورت نگرفته است و از آنجایی که نقوش مدال‌ها نشان‌دهنده قدرت و فرهنگ این دوره از تاریخ است، لذا جا دارد که پژوهشی در این خصوص صورت بگیرد و مفاهیم پنهان این نقش مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش ابتدا نقوش ستاره ای شکل مدال‌ها را بررسی کرده و سپس به مفاهیم و تغییر و تحولات آن پرداخته می‌شود. این پژوهش در صدد پاسخگویی به این سوالات است که نقوش ستاره‌ای شکل مدال‌های دوره قاجار دارای چه مفاهیمی بوده است؟ و چه تغییر و تحولاتی را در دوره قاجار پذیرفته است؟ هدف از این پژوهش شناسایی مفاهیم نقوش ستاره‌ای شکل مدال‌های دوره قاجار و شناسائی تغییر و تحولات این نقوش است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های بنیادی قرار دارد و از حیث ماهیت و روش از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد تاریخی و تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی می‌باشد. شیوه‌گردآوری اطلاعات بر مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و همچنین کتب و مقالات الکترونیکی استوار است. همچنین روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده است. در این پژوهش ابتدا به شرح مدال‌های دوره قاجار و نقش ستاره‌ای شکل مدال‌های این دوره

---

[۳] ششمین شاهنشاه ایران، پسر و جانشین بهرام دوم بود. وی پس از یک دوره چهار ماهه سلطنت به سال ۲۹۳ در جریان یک لشکرکشی توسط نرسه از سلطنت کناره‌گیری کرد.

پرداختـه شـده اسـت و سـپس مفـاهیم نقـوش سـتاره‌ای شـکل مـدال‌ها و تغییـر و تحـولایی کـه در طـول دوره قاجـار پذیرفته است را مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش:

به طور کلـی آثـار و تحقیقـاتی کـه تـاکنون دربـاره مـدال‌ها نوشـته شـده اسـت؛ از نظـر آیـین نامـه‌ها، مناسـبات اهـدای نشـان، عنـاوین و موقعیت‌هـای سیاسـی آنهـا بررسـی شـده اسـت. و تـاکنون پژوهشـی بـه صـورت اختصاصـی در مـورد نقوش ستاره‌ای شـکل روی مـدال‌های دوره قاجـار مـورد بررسـی قـرار نگرفتـه اسـت. از جملـه پژوهش‌هـایی کـه در ایـن زمینـه انجـام گرفتـه اسـت: زهـرا علیـزاده بیرجنـدی و همکـاران (۱۳۹۶) در مقالـه بـا عنـوان «واکـاوی خاسـتگاه و کارکردهـای نشـان‌های دولتـی عصـر قاجـار» بـه تحلیـل نشانه‌شناسـی نمادهـا در کتـاب«نشـان‌های حکـومتی علیـه ایـران» پرداختـه و بـه بررسـی نشـان‌های سـلطنتی را براسـاس مبـانی اسـاطیری، مـذهبی، ملـی پرداختـه اسـت. کـه قـدرت و اقتـدار سـلطنت را در اذهـان مـردم نشـان مـی دهـد. شـاه حسـینی (۱۳۹۵) در کتـاب «نشـان‌ها، مـدال‌ها و یادبودهـای ایـران دوره پهلـوی» بـه بررسـی نشـان‌های یـادبود رایـج در دوره پهلـوی، عنـاوین ایـن نشـان‌ها و مناسـبات اهدای آنها و جایگاه ایـن مـدال هـا در مناسـبات رسـمی و دولتـی و ذکـر پـاره‌ای از وقـایع سیاسـی و تـاریخی مـرتبط بـا اهدای نشـان‌ها پرداختـه اسـت. فاطمـه رازی‌پـور (۱۳۹۴) در مقالـه بـا عنـوان «مـدال‌ها و نشـان‌های تـاریخ» بـه بررسـی آیین‌نامـه‌های مـدال و نشـان و توصـیف وضـعیت ظـاهری آنهـا پرداختـه اسـت. زینـب آزمـون (۱۳۹۴) در کتـاب بـا عنـوان «نشـان‌ها و مـدال‌های قاجاریـه» بـه جریانـات تـاریخی و سیاسـی دوره قاجـار و انـواع نشـان و ویژگی‌هـای مـدال‌ها را بـه همـراه ارائـه تصـاویر برخـی از نشـان‌ها پرداختـه اسـت. مشـیری (۱۳۵۴) در کتـاب«نشـان‌ها و مـدال‌های ایـران از آغـاز سـلطنت قاجاریـه تـا امـروز» در سـه فصـل بـه بررسـی انـواع نشـان‌ها و ویژگی‌هـای ظـاهری نشـان‌ها از زمان آقا محمـدخان قاجـار(۱۲۰۹تـا ۱۲۱۱ه.ق) تـا پایـان سـلطنت پهلـوی (۱۳۰۴تـا ۱۳۵۷شمسـی) پرداختـه اسـت. بـا توجـه بـه آنچـه گفتـه شـد در هـیچ کـدام از تحقیقـات ذکـر شـده بـه مفهـوم نقـوش سـتاره‌ای شـکل مـدال‌های دوره قاجار که از اهداف اصلی این مقاله می‌باشد؛ اشاره نشده است.

مدال:

در فرهنگ‌هـای فارسـی، تعـاریفی از مـدال و نشـان آورده شـده اسـت. ازجملـه دهخـدا در ذیـل کلمـه مـدال چنـین آورده است: سکه مانندی اسـت کـه بـه یادگـار در واقعـه مهمـی یـا بـه پـاس خـدمت شـخص بزرگـی سـاخته می‌شـود و بـه پـاس خـدمت کارکنـان اداره‌ای یـا کسـانی کـه خـدمت برجسـته‌ای بـرای کشـور یـا انجمنـی انجـام داده‌انـد ممکـن اسـت مـدال داده شـود و آن پـائین‌تر از نشـان اسـت. (لغـات فرهنگسـتان) نشـانی کـه از طـرف دولـت یـا مؤسسـه‌ای بـه پاداش کار علمی یا ادبـی یـا صـنعتی یـا خـدمات خیـر یـا دلاوری یـا توفیـق در مسـابقات ورزشـی بـه کسـی یـا گروهـی داده شـود (دهخـدا، ۱۳۴۵: ۲۰۵۲۴). در فرهنـگ سـخن، مـدال را نـوعی نشـان افتخـار معمـولاً بـه شـکل سـکه‌ی نقش‌دار از جنس طلا، نقـره یـا برنـز کـه بـه کسـی بـرای قـدردانی از خـدمات او یـا بـه سـبب بـه دسـت آوردن مقـام و رتبه‌ای اعطا می‌شود (انوری، ۱۴۰۰: ۲۱۲۶).

مدالها و نشانهای حکومتی در عصر قاجار

«در اوایـل قـرن نـوزدهم (۱۱۷۹م)، هنگـامی کـه دولـت ایـران روابـط سیاسـی و تجـاری خـود را بـا کشـورهای اروپـایی بسط و توسـعه داد، از سـوی سـلاطین کشـورهای مزبـور، ضـمن سـایر هـدایای ارسـالی مـدال‌ها و نشـان‌هایی نیـز اهـداء

می‌شد. در پاسخ دربار قاجاری در تلاش بود تا با پیروی از دولت‌های اروپایی، یک نشان دولتی جدید پدید آورد» (کسروی، ۱۳۵۲: ۱۰۷). اولین نشان ایران که صورت رسمی پیدا کرد، نشان شیر و خورشید نام داشت که در زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲تا ۱۲۵۰ ه.ق)، دومین پادشاه سلسله قاجار ایجاد شد. این نشان در بدو ایجاد بسیار مهم بود و مورد توجه و علاقه اشخاص بزرگ و سرشناس قرار گرفت. چرا که به عنوان بازمانده‌ای از زمان باستان شمرده می‌شد (مشیری، ۱۳۵۴: ۱۲).

درووِیل[۱] (۱۸۵۶م، ۱۲۳۴ه.ق) در سفرنامه‌ی خود طبقات مختلف نشان شیر و خورشید را اینگونه معرفی می‌کند: [۴]

۱. «مدال نقره برای سربازان و درجه داران (به دارندگان این مدال ماهی دو روپیه معادل پنج فرانک پاداش داده می‌شود).
۲. مدال طلا برای افسران جزء (پاداش دارندگان این مدال ده فرانک است.)
۳. نشان کوچک (پاداش آن بیست فرانک است.)
۴. نشان با حمایل که فقط جنبه ی افتخاری دارد و تاکنون از طرف شاه به هیچ یک از نظامیان ایرانی به استثنای سفیر ایران در دربار روسیه اعطا نگردیده است» (درووِیل، ۱۳۷۰: ۲۸۲).

رسم اعطای نشان و مدال در ایران، با الگو برداری از اروپا، در زمان فتحعلی‌شاه و عباس میرزا رواج یافت. ولیکن قوانین و درجات نشان‌ها که نظم و مرتبه نشان را معرفی کند در زمان محمدشاه و به همت صدر اعظم حاجی میرزا آغاسی استوار گردید (آزمون، ۱۳۹۴: ۳۶). در آیین‌نامه‌های مربوط به نشان‌ها، به خوبی هدف از اعطای نشان به افراد مختلف توضیح داده شده است؛ اینکه در هر کشور، پادشاه یا سلطانی وجود دارد که مسئولیت اداره امور آن را بر عهده دارد و برای حفظ نظم و تنظیم امور ملک و مملکت، لازم است تفاوتی بین شخصی که خدمت می‌کند و شخصی که خدمت نمی‌کند ایجاد شود (شهیدی، ۱۳۵۰: ۳-۴). در زمان محمدشاه و به همت صدر اعظم حاجی میرزا آغاسی قوانین و درجات نشان‌ها معرفی شدند. (آزمون، ۱۳۹۴: ۳۶) «در کنار نشان شیر و خورشید، نشان دولتی دیگری به شکل ذوالفقار با تیغ دوسر انتخاب شد. به این ترتیب، شکل شیر و خورشید و ذوالفقار دو نشان دولتی بودند که نماد دولت محسوب می‌شدند و علاوه بر نشان‌ها بر روی سکه‌ها، درفش‌ها و دیوارهای ساختمان‌های دولتی نیز نگاشته می‌شدند» (کسروی، ۱۳۵۲: ۱۰۶).

اقسام نشان در عصر محمدشاه عبارت بود از:

الف) نشان‌های مندرج در آیین‌نامه در درجات سه‌گانه تعریف شده بودند و مخصوص شمشیربندان و نظامیان مکلل و مرصع به الماس و جواهرات در هشت مرتبه عبارت‌اند از: (۱) نشان نویانی و سردار اعظم سه درجه، (۲) نشان امیرتومانی در سه درجه، (۳) نشان سرتیپی در سه درجه، (۴) نشان دولت: نشان سرهنگی در سه درجه، (۵) نشان یاوری در سه درجه، (۶) نشان سلطانی در سه درجه، (۷) نشان نایبی در سه درجه (۸) نشان نقره شیر و خورشید ساده با شمشیر برهنه و تاجی از نقره در پنج درجه مخصوص سرجوقه، وکلا، تابینان[۵] و افواج قاهره[۶] (آزمون، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۷)

---

[4] Gaspard Drouville

[۵] یک فرد نظامی که صاحب منصبی نباشد مانند سرباز(دهخدا، ۱۳٤٥، ج٤: ٦١٠٧)

[٦] هفتاد و پنج فوج"ارتش، لشکر، گروه، دسته " بوده‌اند.(گلبن، ۱۳۴۷: ۱)

ب) دسته دوم شامل نشان‌هایی بود که به ایلچیان، سفرای خارجی، نویسندگان، دبیران، اشراف و روحانیون برجسته به تناسب خدمتشان داده می‌شد. هرکدام از انواع این نشان‌ها خود به درجات مختلفی تقسیم می‌شد. (شهنام‌پور، ۱۳۸۴: ۵۹). در دوره ناصرالدین‌شاه در آئین‌نامه نشان‌های شیر و خورشید مخصوص خارجیان تغییراتی صورت پذیرفت و نشان‌های دیگری نیز به مجموعه نشان‌ها افزوده شدند. که عبارت بودند از: نشان تمثال همایونی، اقدس، قدس، مقدس. و برای خانم‌ها نیز نشان آفتاب ساخته شد (مشیری، ۱۳۵۰: ۲۰۳).

اعتقادات مذهبی مربوط به علم نجوم در دوره اسلامی:

نجوم در ایران باستان ریشه در باورهای کهن آریایی دارد و از زمان‌های دور با اسطوره‌ها و دین آمیخته بوده است. آیین‌های مهری، زروانی و زرتشتی نمونه‌هایی از این سنت‌های نجومی هستند که در اوستا نیز به آن‌ها اشاره شده است. ایرانیان باستان با بسیاری از ستارگان و صور فلکی آشنا بودند و از این دانش در مراسم مذهبی و زندگی روزمره خود بهره می‌بردند. (واندروردن، ۱۳۷۲: ۲۷۸) ایرانیان جزو نخستین مردمانی هستند که میان نمودهای آسمان و جنبه‌های معنوی و یزدانی پیوند برقرار ساخته‌اند؛ این ویژگی را در فرهنگ اساطیری ایران نیز می‌توان مشاهده کرد.(ورجاوند، ۱۳۸۴: ۱۰) سنت‌های نجومی ایران، هند و یونان تأثیر شگرفی بر شکل‌گیری علم نجوم در تمدن اسلامی داشته‌اند. پس از فتح ایران، پژوهش‌های ایرانی نقش مهمی در انتقال دانش نجومی به جهان اسلام ایفا کردند و ترجمه آثار نجومی ایرانی به عربی نیز به این فرآیند کمک شایانی کرد. (بیک محمدی، مرادی محتشم، ۱۳۹۷: ۱۲۷-۱۲۸) ستاره‌ها در طول تاریخ، نمادی مقدس و معنوی برای بسیاری از ادیان بوده و در فرهنگ بشری جایگاه ویژه ای داشته‌اند. از قدیم تاکنون، ستارگان معانی و نمادهای مختلفی برای مردم داشته‌اند و بسته به فرهنگ و اعتقادات آنها، مفاهیم متفاوتی را نمایش می‌دهند. به ویژه در عرفان اسلامی، نزد صوفیان نور ستارگان با اعتبار ظهور، حق فی نفسه وجود حق مرتبط دانسته شده است. از این رو نقوش شمسه و ستاره را می‌توان استعاره‌ای از همین نورالهی دانست که بنیاد عرفان و حکمت مشرق زمین محسوب می شود. (سجادی، ۱۳۷۰: ۷۷۱) با این حال، در مقابل این دیدگاه عرفانی، برخی از علمای شیعه و سنی معتقد بودند که اعتقاد به اثر اجرام آسمانی مستقل از خداوند حرام است (خرازی، ۱۳۸۶: ۹۲-۹۴) در اسلام نیز ستاره مظهر خداوند در شب ایمان است که مومن را از شر همه موانعی که بر سر راه رسیدن به خداوند است حفظ می‌کند (حسینی و ابرقویی، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۶).

با این وجود درباره‌ی مفهوم ستاره به عنوان نماد عرفانی، می‌توان گفت که این نماد نشان‌دهنده تجلی انوار حق بر سالک راهی است که به حق واصل می‌شود. برای فهمیدن مفاهیم مفهوم عرفان، باید از نمادها استفاده کنیم. یکی از همبن نمادها نور است، که ستاره و اجرام آسمانی از نشانه‌های نور هستند. نماد نور در طی قرون متمادی و در بیشتر اعتقادات دینی و مذهبی برای نمایاندن ماهیت حقیقی عالی و غایی نقش بنیادین داشته است. (نزهت، ۱۳۸۸: ۱۵۶) چنانچه در "فلک السعاده" آمده، آنچه از طبایع ستارگان معلوم است جز به وحی و الهام به حیطه فهم درنیاید این از قبیل مقبولات است. (فلک السعاده، ۱۲۷۸ : ۲۱) این امر نشان از اهمیت و عمق معنایی این نماد دارد. از سوی دیگر استفاده از نقوش مزبور در تزیین را می‌توان نوعی هم‌نوایی هنرمندان با آفرینش الهی دانست. همانطورکه خداوند در قرآن‌کریم می‌فرماید: « انا زینا السماء الدنیا بزینه الکواکب» (سوره مبارکه "ق" آیه ۶) بدین معنا که خداوند آسمان را با زیبایی ستارگان آراسته است و هنرمندان نیز با الهام از این آیه، از نقوش ستاره‌ای برای تزیین آثار خود بهره می‌جویند.

در هنر اسلامی، ستاره یکی از نمادهای مشترک و پرکاربرد است که در قالب هنر معماری، فرش‌بافی و ادبیات به چشم می‌خورد. برای مثال، در معماری اسلامی، کاشی‌های سرامیکی با نقش ستاره‌ای به عنوان نمادی از الوهیت و تفوق اسلام به کار می‌روند. (تصویر:۱) (میراندا بوروس، ۱۳۹۴: ۱۸۱).



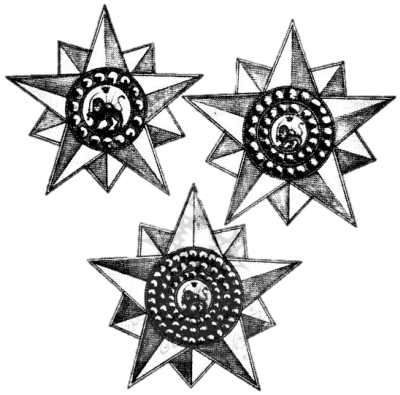
تصویر۱: کاشی سرامیک (میراندا بوروس، ۱۳۹۴: ۱۸۱)

نشان‌های حکومتی با نقش ستاره

همانطور که قبلا ذکر شد، برخی از مدال‌های دوره قاجار دارای نقش ستاره‌ای شکل هستند که برای ساخت آن از پره‌هایی با تعداد پنج، شش، هفت، هشت، دوازده استفاده شده است. در زیر به بررسی مفاهیم این مدال‌ها با توجه به تعداد پره‌های آن می‌پردازیم.

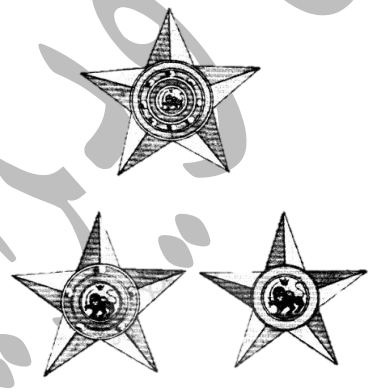
ستاره پنج‌پر

از جمله نشان‌های با نقش ستاره پنج‌پر نشان سرهنگی می‌باشد. این نشان سه درجه دارد. درجه اول: ستاره‌ای پنج‌پر که در میان پرها پنج‌پره کوچک از مینا قرار گرفته‌است؛ و در اطراف شیر و خورشید سه حلقه الماس نصب شده است و به عرض ۷/۳ سانتی‌متر است. درجه دوم: با همان شکل و شمایل نشان درجه اول، با دو دور الماس به دور خورشید و به عرض۷ سانتی متر، درجه سوم: مانند نشان درجه دوم با یک دور الماس در اطراف شیر و خورشید عرض ۶ سانتی‌متر (بوذری، ۱۳۸۹: ۷۳). (تصویر:۲) «سرهنگ، یاور، سلطان، هر کدام که در راه دین و دولت جان خود را در معرض خطر انداخته باشد با تاریخ و مختصر وقایع اتفاقیه و شهود و بین محض برای اینکه اینگونه نشان و احکام در پیش او بماند و سالها از این بعد در میانه منسوبان متعلقان خود اظهار افتخار کند. چنان حکم ممهور را به او مرحمت خواهند کرد و او هم نشان و هم حکم مزبور را در پیش خود نگاه می‌دارد و به محض اینکه سرکرده‌ای بر دوش نشان شجاعت نصب کرد معلوم می‌گردد که کدام یک از نشان‌های شجاعت به او داده شده است»(شهیدی، ۱۳۵۰: ۲۰۵).



تصویر۲: نشان سرهنگی (شهیدی، ۱۳۵۰: ۱۹۸)

نشان دیگر با نقش ستاره پنج‌پر نشان سلطانی: درجه اول ستاره پنج‌پری است که در دور شیر و خورشید هشت عدد الماس ریز نصب شده است. درجه دوم به شکل یک ستاره پنج‌پر با پنج الماس کوچک در اطراف شیر و خورشید، درجه سوم به شکل نشان‌های اول و دوم است و هیچ سنگی بر روی آن نصب نمی‌شود. (بوذری، ۱۳۸۹: ۷۳). (تصویر ۳) این نشان با حمایل سبز که اطرافش قرمز است آویخته می‌شود. سلطان وقتی سزاوار این نشان می‌شود که گروه صد نفری او از رفتار وی نهایت خشنودی و خرسندی را داشته باشند و به هیچ وجه از وی شکوه و گله نکنند (نسخه خطی نشان‌های دولت علیه ایران، بی تا: ۱۷-۱۸).



تصویر۳: نشان سلطانی (شهیدی، ۱۳۵۰: ۲۰۱)

ستاره پنج ضلعی در فلسفه یونانی، بیانگر انسان کامل است. این انسان به عنوان محور وجود و قطب عالم محسوب می‌شد (البهنسی، ۱۳۹۲: ۱۱۴). درباره ستاره پنج‌پر و عدد محافظ پنج باید گفت که: دست انسان با پنج انگشت به ویژه در طلسم‌های مسلمانان رایج است در فرهنگ اسلامی این شکل دست فاطمه نام دارد که پنج تن آل‌عبا که مهم‌ترین شخصیت‌های شیعه نشان می‌دهد. و اعتقاد دارند که چشم زخم را برطرف می‌کند (شیمل، ۱۳۹۰: ۱۲۷). عدد پنج در سنت اسلامی بسیار مهم است. مسلمانان علاوه بر پنج ستون دین «شهادتین، نماز، روزه، زکات و حج» پنج نماز یومیه دارند. همچنین احکام اسلام به پنج دسته تقسیم می‌شود: «واجب، مستحب، مباح، مکروه، حرام» در جنگ غنیمت پنج قسمت می‌شود "تا خمس آن پرداخت شود". به پنج تن یعنی آل عبا پنج عضو خانوادهٔ حضرت محمد (ص) که در زیر عبایش رفتند و نامشان در طلسم‌ها می‌آید، (حضرت محمد(ص)، فاطمه (س)، علی(ع)، حسن (ع) و حسین (ع) که مهم ترین شخصیت‌های شیعه و مورد احترام فراوان

اهل تسنن نیز هستند. الکندی مشهور به فیلسوف العرب پنج‌گانه‌ای متشکل از ماده، شکل، حرکت، فضا و زمان را فرض کرده است. علاوه بر این، در قرن دهم اخوان‌الصفای شیعی مذهب در بصره به وضوح اعلام کردند که اسلام بر پنج اصل استوار است این نه تنها به دلیل وجود پنج اصل و پنج تن، بلکه به دلیل وجود پنج پیامبر اولوالعزم (نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد) است. همچنین هیچ مجموعه‌ای از حروف مقطعه قرآن بیش از پنج حرف نیست (همان: ۱۳۱).

ستاره شش‌پر

نشان یاوری درجه سوم عبارتست از: ستاره شش‌پر با نقش شیر و خورشید که یک دور الماس به دور آن نصب می‌شود. این نشان با بند سبز آویخته می‌شود (آزمون، ۱۳۹۴: ۴۷) (تصویر:۴) شرایط استحقاق این نشان رضایت ۴۰۰ نفر از ابواب جمع او است که از وی نهایت رضایت و خرسندی را داشته باشند و به هیچ وجه در مقام گله و شکوه برنیایند، و خود فرد نیز خدمت یا رشادتی کرده باشد مانند مقاومت و ایستادگی دربرابر دشمن، محاصر دشمن، در هنگام گرسنگی و تشنگی شکیبایی نماید تا بتواند از عملیات پیروز شود. (نسخه خطی نشان‌های دولت علیه ایران، بی تا: ۱۹-۲۰). نشان امیرتومانی درجه سوم: ستاره شش‌پری است مکلل به الماس به همین کیفیت شیری ایستاده و شمشیر برهنه در دستش و خورشیدی برپشت آن قرار دارد. (تصویر:۵)



تصویر۴: نشان درجه سوم یاوری (شهیدی، ۱۳۵۰: ۱۹۹)



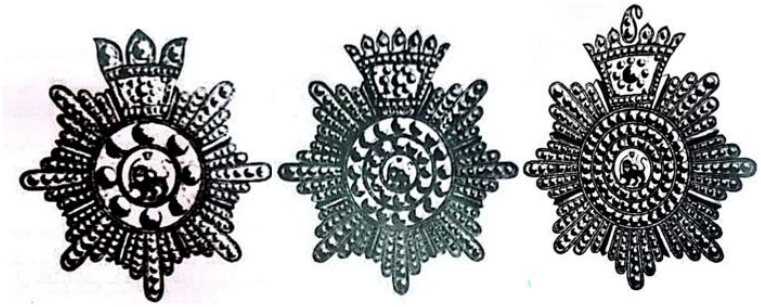
تصویر۵: نشان درجه سوم امیر تومانی (آزمون، ۱۳۹۴: ۱۷۸)

در عقاید قدیمی، جهان عبارت بود از دو نیمه تخم‌مرغ، که نیمه بالای آن، بیانگر آسمان، و نیمه پایین آن زمین را تجسم می‌کرد. نیمه‌های تخم مرغ به تدریج دچار تغییر و تحول می‌گردد و به صورت مثلثی درمی‌آید که رمز انسجام و تکامل و توازن است. و از ترکیب این دو نیمه، یک ستاره شش ضلعی به وجود می‌آید. شکل شش‌ضلعی ستاره‌ها به شکل شش‌ضلعی درخت تبدیل می‌شود که نماد درخت زندگی است. این ستاره درخت مانند، از شش شاخه، یا شش برگ یا یک گل شش ضلعی طبیعی یا غیرطبیعی تشکیل شده است. این نماد در فرهنگ اعراب و مسلمانان شناخته شده و در نقوش هندسی عربی به کار گرفته شده است (البهنسی،۱۳۹۲: ۱۱۲-۱۱۳). ستاره شش‌پر، نماد پیوند روح و ماده، اصل فعل و اصل منفعل، وزن آهنگ پویایی روح و ماده، و اجزای بیرونی و درونی این دو است (شوالیه، و گربران، ۱۳۸۲: ۵۳۷). علاوه بر این عدد شش در آیین زرتشت جایگاه والایی دارد و به شش دوره آفرینش و شش موجود برتر فرشته‌گونه به نام امشاسپندان مرتبط است. و این شش‌گانه با اهورامزدا خدای خوبی کامل می‌شود که هفتمین و در عین حال موجود روحانی و فراگیر عالی است رابطه میان عدد شش با آفرینش در سنت اسلامی نیز مورد توجه بوده است. در سنت زاهدان نیز معتقدند ستاره شش‌پر از دو مثلث در هم رفته، که یکی به سمت بالا و دیگری به سمت پایین، اشاره به عالم کبیر دارد. ستاره شش‌پر را می‌توان به عنوان نمایانگر تقابل بین روح و ماده، خدا و هرج و مرج، متعالی و ذاتی که باز

جهـان آفـرینش و حتـی بـیش از آن جنبـه‌های مـذکر (رو بـه بـالا) و مونـث (رو بـه پـایین) زنـدگی را نشـان می‌دهـد. (شمیل، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۳۸)

ستاره هفت‌پر

از جمله نشان های با نقش ستاره هفت‌پر: نشان نویانی و سردار اعظم است که مشتمل بر سه درجه است: به ترکیب شیر و خورشیدی مکلل به الماس یک طرفه بالای این نشان ترکیب تاج الماسی است که در وسط تاج مزبور قرار دارد. و به ازای خدمت بزرگی مانند: فتح کشور یا شکست دادن لشکری بزرگ به او داده می‌شود. که چنین شخصیت بزرگی با بدست آوردن این نشان به عنوان اعظم بارگاه سلطنت و افخم امراء دولت علیه خواهد بود که به مرتبه نویانی و سپهسالاری دولت علیه رسیده باشد (آزمون، ۱۳۹۴: ۴۳). (تصویر:۶) نشان یاوری درجه دوم عبارتست‌از: ستاره هفت‌پری با نقش شیر و خورشید که یک دور الماس به دور آن نصب می‌شود. این نشان با بند سبز آویخته می‌شود (همان: ۴۷) (تصویر: ۷) نشان امیرتومانی درجه دوم: ستاره هفت‌پری است که به الماس آراسته شده و با تصویر شیری ایستاده، شمشیر در دست و خورشید برپشت آن قرار دارد. (تصویر:۸)



تصویر۶: نشان نویان و سردار اعظم (آزمون، ۱۳۹۴: ۴۳-۴۴)



تصویر۷: نشان درجه دو یاوری (شهیدی، ۱۳۵۰: ۱۹۹)



تصویر۸:: نشان درجه دو امیرتومانی (آزمون، ۱۳۹۴: ۱۸۶)

نمادگرایی ستاره هفت‌پر، مشابه نمـادگرایی عـدد هفـت اسـت. ایـن سـتاره ارتبـاطی میـان مربـع و مثلـث می‌سـازد و بـه تصـویر کیهـان، موسـیقی کـرات، همـاهنگی جهـان، قـوس و قـزح هفـت رنـگ، هفـت منـزل آسـمان، تمامیـت انسـان و غیره اشاره دارد. (شوالیه، و گربران، ۱۳۸۲: ۵۳۷)

مقدس بـودن عـدد هفـت در جهتـی بـه تفکـر یونـانی بـاز می‌گـردد و همچنـین در بعضـی فرقـه‌های اسـلامی نیـز مـورد تقدس قرار گرفتـه اسـت. در جاهـای مختلـف، عـدد هفـت بـه صـورت یـک سـتاره هفـت‌پر نمـایش داده می‌شـود کـه از جنبه‌های مختلف تفکـرات نوافلاطـونی و تفکـرات غنوصـی الهـام گرفتـه شـده اسـت. اضـلاع سـتاره هفـت‌پر هرکـدام بـه

یکی از تجلیات وجودی مانند: خداوند، عقل، نفس، ماده، فضا، زمان، زمین و انسان، تعبیر و تفسیر می‌شود. دایره‌ای که ستاره هفت‌پر بر روی آن قرار دارد، نمادی از خداوند، منبع وجودی سایر ستارگان است. این دایره ستارگان را احاطه کرده و مرکز وجود آنها به شمار می رود. در نزد مسیحیان، دایره معنایی جادویی دارد. اما مسلمانان عرب، یک صفر را به صورت دایره در آورده‌اند، به دلیل نقشی که در اعداد ریاضی ایفاء می‌کند (البهنسی، ۱۳۹۲؛ ۱۱۴-۱۱۵) عدد هفت بیانگر کمال، تمامیت و رسیدن به پایان مطلوب همه چیز است. این تضمین می کند که هر چرخه تکاملی به اوج خود می رسد. جامعیت عدد هفت به مفهوم کمال مطلق به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر در ساختار ادراک و معرفت انسان اشاره می کند و دریچه ای از ملک به ملک می گشاید. از سوی دیگر، نماد فارسی نقطه‌ای در ناسوت را نشان می‌دهد که با زاویه فزاینده به سمت جهان بالا گسترش می‌یابد. (والی، ۱۳۷۹:۳-۴). مسلمانان صدر اسلام نیز از اهمیت عدد هفت آگاه بودند. در قرآن آمده است که خدا آسمان و زمین را در هفت طبقه آفرید. علاوه براین طواف دوره کعبه در مکه هنگام زیارت هفت بار انجام می‌شود و سعی بین صفا و مروه هفت بار است، و حاجیان در یکی از مواقف حج هفت بار الله اکبر می‌گویند. همچنین کلمه سلام در قرآن هفت بار آمده است. قرآن نیز هفت قرائت رسمی دارد (شیمل، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

ستاره هشت‌پر

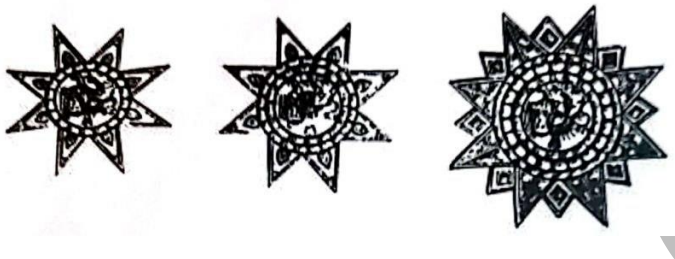
از روزگار باستان ستاره هشت‌پر مظهر و جانشین خورشید به حساب می‌آمد، یک آویز سربی از معبد اینشوشیناک در شوش کشف شده است. که بر روی آن نقش یک ستاره هشت‌پر قرار دارد و در پشت آویز نیز نقش دو انسان برهنه و درخت زندگی به تصویر کشیده شده است. (تصویر:۹) (De Mecquenem, 1905: 72).



تصویر: ۹ معبد اینشوشیناک شوش (De Mecquenem, 1905: 72)

در میان نشان و مدال‌های دوره قاجار استفاده از شکل ستاره هشت‌پر به وفور دیده می‌شود. از جمله در نشان سرتیپی: این نشان مشتمل بر سه درجه است درجه اول: «ستاره هشت‌پری است مکلل به الماس، به همان کیفیت شیر ایستاده و شمشیر برهنه در دستش و صورت خورشید بر پشت او و تاجی بر بالای سر او قرار دارد. در میانه هشت‌پرها، هشت‌پره کوچک در میان آنها می‌باشد. درجه اول در دور شیر و خورشید مزبور سه دور الماس ریز نصب شده است». درجه دوم: به همان کیفیت درجه نخست است با این تفاوت که دو دور الماس به دور شیر و خورشید نصب شده است و پره‌های کوچک میان هشت‌پر بزرگی وجود ندارد. درجه سوم: مشابه نشان درجه دوم است ولی یک دور الماس به دور شیر و خورشید قرار گرفته است» (تصویر:۱۰) (بوذری، ۱۳۸۹:

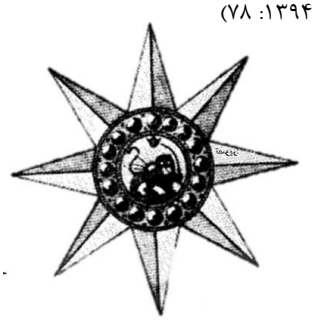
۷۱). نشـان امیرتومـانی درجـه اول امیرتومـانی: سـتاره هشـت‌پری اسـت مکلـل بـه المـاس بـه همـین کیفیـت شـیری ایستاده و شمشیر برهنه در دستش و خورشیدی برپشت آن قرار دارد. (تصویر:۱۱)



تصویر۱۰: نشان‌های سرتیپی (آزمون، ۱۳۹۴: ۷۸)



تصویر۱۱: نشان درجه اول امیر تومانی (شهیدی، ۱۳۵۰: ۱۹۵)



تصویر۱۲: نشان درجه اول یاوری (شهیدی، ۱۳۵۰: ۱۹۹)

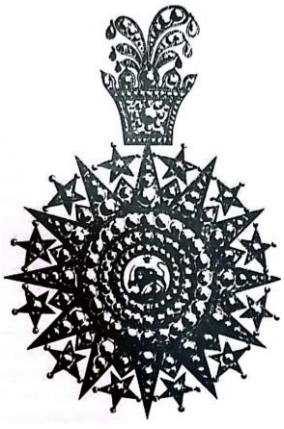
نشان یـاوری درجـه اول عبارتسـت از سـتاره هشـت‌پر، بـا نقـش شـیر و خورشـید کـه یـک دور المـاس بـه دور آن نصـب می‌شود. این نشان با بند سبز آویخته می‌شود (آزمون، ۱۳۹۴: ۴۷) (تصویر:۱۲)

شـکل سـتاره هشـت‌پر در واقـع از چـرخش دو مربـع در هـم بـه وجـود می‌آیـد. بـه همـین دلیـل، بـرای درک کامـل‌تر مفاهیم نهفتـه در ایـن شـکل، نیازمنـد شـناخت مفـاهیم نمـادین مربـع و دایـره هسـتیم. مربـع نمـادی اسـت از زمـین و پایداری، در حالی که دایـره نمـادی اسـت از آسـمان و بی‌پایـانی. بـه صـورت دیگـر، مربـع نمـادی اسـت از جهـان مـادی و خلـق شـده، درحـالی کـه دایـره نمـادی اسـت از بُعـدهای غیرمـادی و خلق‌نشـده (هوهنـه‌گر، ۱۳۶۶: ۴۵). سـتاره هشت ضلعی از دو مربع متـداخل در یکـدیگر تشـکیل شـده اسـت: یـک مربـع از ایـن سـتاره نمایـانگر قـوای چهارگانـه‌ی طبیعت است. ضلع بـالایی ایـن مربـع بـه هـوا، ضـلع پـائینی نماینـده خـاک، صـلع سـمت راسـت تجسـم کننـده‌ی آب و ضـلع سـمت چـپ نشـان‌دهنده‌ی آتـش می‌باشـد. مربـع دوم در ایـن سـتاره تعبیـری ازجهـات چهارگانـه: (شـمال، جنـوب، شـرق، غـرب) تـداخل ایـن دو مربـع در یکـدیگر، نشـان‌دهنده‌ی ایـن اسـت کـه قـوای خداونـد بـالاتر از قـوای طبیعـت اسـت و در تمـام انحـاء وجـود منتشـر اسـت چنانکـه می‌فرمایـد: «و الله المشـرق والمغـرب، فاینمـا تولـو فـثم وجـه الله، ان الله واسـع علـیم» (البهنسـی، ۱۳۹۲: ۱۱۴). از دیربـاز عـدد هشـت، عـدد رمـزی خورشـید در سراسـر اروپـا، آسیا و آفریقا محسوب می‌شـده اسـت، و نشـان دهنـده‌ی اتحـاد ایـزدی خورشـید و مـاه بـوده اسـت (ژیـران، و همکـاران، ۱۳۷۵: ۱۳). هشـت یکـی از اعـداد مقدسـی اسـت کـه از دیربـاز بـه عنـوان بـالاترین مرتبـه بیـان شـده اسـت، هشـت بهشـت یـا هشـت مرتبـه‌ی بهشـت یـا هشـت در بهشـت کـه در عرفـان در هشـتم در توبـه و در همیشـه بـاز، بـه شـمار مـی‌رود و اقلـیم هشـتم «اقلیمـی کـه فرشـته مـا را بـدان راهبـر می‌شـود از آن جملـه بـه شـمار می‌رونـد «سـهروردی» اصـطلاح «ناکجاآبـاد» را بـه زبـان فارسـی بیـانگر جهـان میانـه‌ی عـالم ادراک‌هـای محسـوس و عـالم عقـول، نـاب بـه معنی اقلیم هشتم می‌سازد (طهوری، ۱۳۸۱: ۷۳).

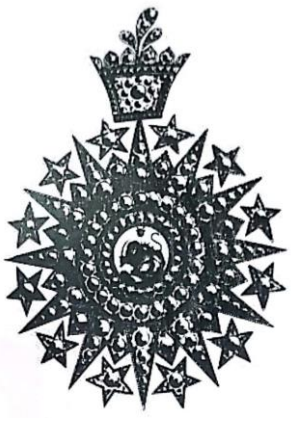
هشت در سراسر جهان عدد تعادل کیهانی شناخته می‌شود. این عدد به عنوان نخستین عدد مکعب است مظهر اتحاد به شمار می رود و شش سطح آن نمایانگر کمال می باشد. در تفکر اسلامی هشت حاملان عرش الهی، عرش را (فضایی غیبی که در ماوراء آسمان ثوابت و سیارات امتداد دارد). که محاط بر جهان است، نگاه داشته اند. به لحاظ معنوی، هشت هدف راز آموز است که از هفت مرحله یا آسمان عبور کرده، از این رو عدد بهشت بازیافته است در این مورد لاله بختیار توضیح می دهد که عدد هشت را برای تاکید در هشتمین مرحله سلوک به کار می برند. هشتمین مرحله سلوک، مرحله قداست است که در آن به روح توجه می شود و نیروهای روحی حضور دارند. عارف در این مرحله تحت تاثیر صفات زیبای انسانی قرار می‌گیرد و آنها را کسب می‌کند. در این مرحله است که وی به مقام جمع الجمع می رسد یعنی پس از توجه به روح، خالق و مخلوقات، ماهیت همه چیز را در وجود خدای یگانه می‌بیند (Bakhtiar, 1960: 87).

ستاره دوازده‌پر

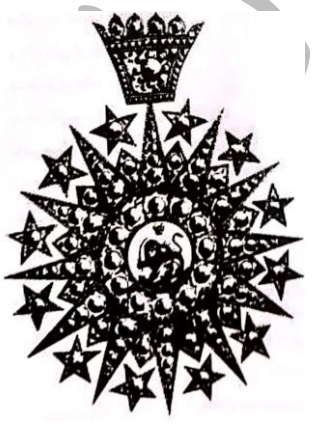
در سال ۱۲۸۷ هجری قمری، نشان اقدس به فرمان ناصرالدین‌شاه ساخته شد. این نشان شامل سه درجه اقدس، قدس و مقدس بود نشان اقدس به شکل خورشیدی، بیست‌وچهار پره "دو ستاره بزرگ و کوچک با دوازده‌پر بر روی یکدیگر" است که دوازده ستاره کوچک بر اضلاع شعاع آن نصب شده است. در وسط نشان، شیر و خورشید مکلل به الماس، و بر سر نشان یک تاج جقه با چهارپره سه طبقه قرار دارد؛ این نشان مختص شاهنشاه می باشد که از سوی او به سلاطین بزرگ به نشانه پیوند و دوستی و یگانگی اعطا می‌شود، و حمائل آن آبی روشن خواهد بود (نشان‌های دولت علیه ایران، بی‌تا: ۳۴-۳۵) (تصویر:۱۳) نشان قدس همانند نشان قبل ولی قسمت جقه آن، از سه‌پره کوچکتر استفاده شده است. این نشان به وزراء عظام و حکمران‌های ممالک عظیم که از خانواده سلطنت بوده اعطا می.شود حمائل این نشان حریر سبز است. که دو خط آبی در طرفین آن قرار دارد. (تصویر:۱۴) نشان مقدس همانند دو نشان قبلی است ولی جقه ندارد و به امرای تومان و حکام ولایات که به درجه‌ی امیرتومانی رسیده باشند اهدا می‌شود. به سفرای کبار و ایلچیان بزرگ و سرداران عظام داده می‌شود حمایل آن در وسط سبز و دو کناره آن آبی می‌باشد. نشان قدس نیز به افرادی که خدمات ویژه‌ای برای وحدت ملت انجام داده باشند، اعطا می‌شود (تصویر: ۱۵) (شهیدی، ۱۳۵۰: ۲۱۶-۲۱۸).



تصویر۱۳: نشان اقدس
(شهیدی، ۱۳۵۰: ۲۱۷)



تصویر۱۴: نشان قدس
(شهیدی، ۱۳۵۰: ۲۱۹)



تصویر۱۵: نشان مقدس
(شهیدی، ۱۳۵۰: ۲۲۰)

در دوره صفویه، با گسترش تشیع در ایران، تاج قزلباش به عنوان "تاج مقدس امامت" شناخته می‌شد و شکل دوازده ترک آن جنبه‌های مذهبی را تقویت می‌کرد در منابع صفوی، دوازده ترک به عنوان نشانه‌ای از دوازده

امـام (ع) شـناخته می‌شـدند (سـیدبنکدار، ۱۳۹۵: ۲۰۳). اخوان‌الصـفا بـه پیـروی از اخترشناسـان بـه مطالعـه دوازده برج منطقه‌البروج پرداختند. آنان می‌گفتند کـه می‌تـوان دوازده بـرج را بـه چهـار گـروه تقسـیم کـرد: عـلاوه بـر سـه بـرج مربوط به هـر یـک از فصـل‌های بهـار، تابسـتان، پـاییز، زمسـتان، می‌تـوانیم از سـه بـرج آتـش (حمـل، اسـد، قـوس) سـه بـرج آب (سـرطان، عقـرب، حـوت)، سـه بـرج هـوا (میـزان، جـوزا، دلـو)، سـه بـرج خـاک (ثـور، سـنبله، جـدی) سـخن بگـوییم (شـیمل، ۱۳۹۰: ۲۲۳). دو برابـر کـردن عـدد دوازده برابـر اسـت بـا تعـداد سـاعات یـک دوره روزانـه کامـل حاصـل مـی آیـد کـه در ایـن دوره‌ی روزانـه کامـل، نیمـی از طـول آن تحـت سـیطره خورشـید و نیمـی دیگـر آن تحـت سـیطره مـاه قـرار می‌گیـرد (کریچلـو، ۱۳۸۹: ۱۸۰) سـتارگان دوازده‌گانـه‌ی گرادگـرد خورشـید جـز آنکـه نمـودار دوازده ماه سال خورشیدی باشند مفهوم دیگری نمی‌توانند داشته باشند. (نصرتی، ۱۳۸۵: ۱۲۶)

جمع‌بندی

در دوره قاجـار بـه پـاس قـدردانی از خـدمات وزراء، سـرداران، سـربازان، و تمـایز آنهـا بـا افـراد عـادی جامعـه در ازای خـدمتی کـه بـرای کشـور در شـرایط و موقعیت‌هـای سـخت و دشـوار در برابـر دشـمن انجـام داده بودنـد بـه آنهـا نشـان‌هایی داده می‌شـد. ایـن نشـان‌ها کـه بـه شـیر و خورشـید معـروف بـود. دارای نقـوش سـتاره‌ای شـکلی بـود کـه در وسط آن طرح شـیر و خورشـید بـه صـورت ایسـتاده قـرار داشـت و اطـراف آن بـا دانـه‌های المـاس براسـاس درجـه فـرد تزئین می‌شد. تعداد پره‌های این نشـان‌ها بـا یکـدیگر متفـاوت بـود و گاهـاً بـر اسـاس درجـه افـراد تعـداد پـره‌ی نشـان را بیشـتر در نظـر می‌گرفتنـد و یـا تعـداد المـاس بیشـتری بـه آن نشـان اختصـاص داده می‌شـد. بـه طـور کلـی می‌تـوان گفت: مدال‌های این دوره از لحـاظ مـادی ارزشـمند بودنـد و از جـواهراتی ماننـد طـلا، نقـره، المـاس، مینـا بـرای سـاخت آنهـا اسـتفاده شـده اسـت؛ و از طرفـی هنرمنـد مدال‌سـاز عـلاوه بـر زیبایی‌هـای ظـاهری مـدال‌ها بـه معـانی پنهـانی آن نیـز توجـه داشـته و بـا اسـتفاده از شـناخت علـم ریاضـی و هندسـه سـعی کـرده بـا تلفیـق اشـکالی چـون دایـره، مربـع، مثلث سـتاره‌هایی را ایجـاد کنـد. کـه عـلاوه بـر اینکـه دارای شـکل‌های سـاده‌ای هسـتند امـا سـاعت‌ها ذهـن مخاطـب را درگیـر معـانی پنهـان نهفتـه در ایـن مـدال‌ها سـازد. اسـتفاده از المـاس در مـدال باعـث نـور و روشـنایی می‌شـد کـه بیننده از دور متوجه این نور پنهان که مظهر خداوند در شب بوده و تجلی‌گاه نور حق در جهان است. (جدول۱)

جدول۱: کاربرد مدال‌ها (نگارندگان)

انواع ستاره	درجه نشان	نقوش و تزئینات	مناسبت اعطاء	افراد مشمول	نمادهای عددی
پنج‌پر	سرهنگی، سلطانی	شیر و خورشید مینا، الماس حمایل سبز	صدنفر از خدمتگاران از وی راضی و خشنود باشد	سرهنگ، یاور سلطان	پنج تن آل عبا، ارکان دین نمازهای یومیه، پیامبران اولوالعزم، غنائم جنگی
شش‌پر	یاوری امیرتومانی درجه۳	شیر و خورشید شمشیر، الماس حمایل سبز	رضایت ۴۰۰ نفر از خدمتگاران، مقاومت در برابر دشمنان	امیرپنجه، امیرلشکر فرمانده گردان	تقابل بین روح و ماده خدا، متعالی و ذاتی درخت حیات
هفت‌پر	نویانی، سرداراعظم یاوری درجه۲ امیرتومانی درجه۲	شیر و خورشید الماس، تاج، جقه الماس، بند سبز	فتح مملکت، شکست لشکرهای بزرگ	سپهسالار دولت اعظم بارگاه سلطنت افخم امراء دولت	کیهان، تمامیت انسان تجلیات وجودی خداوند بیانگر کمال، تمامیت وصول به غایت مطلوب
هشت‌پر	سرتیپی امیرتومانی درجه۱	شیر و خورشید، شمشیر، تاج، الماس	۵۰۰۰ سرباز تحت فرمان او بود	امیرپنجه، امیرلشکر فرمانده گردان	قوای چهارگانه‌ی طبیعت تعادل‌کیهان، مظهر اتحاد

	یاوری درجه۱	حمایل سبز			حاملان عرش الهی مرحله سلوک: قداست
دوازده‌پر	اقدس، قدس مقدس	۲ستاره بزرگ‌وکوچک شیر و خورشید، جقه با چهار پر، تاج حمایل سبز و آبی	پیوند دوستی‌و یگانگی وحدت ملت	سلاطین بزرگ وزراء عظام حکمران‌های‌ممالک امرای تومان، سفرای کبار ایلچیان	دوازده امام (ع) تعداد ساعات یک روز کامل دوازده ماه سال خورشیدی

نتیجه‌گیری

همانطور که اشاره شد، مدال‌های دوره قاجار علاوه بر جنبه زیبایی شناختی، حاوی مفاهیم عمیق و نمادینی بودند. تعداد پره‌های این مدال‌ها که به شکل‌های پنج‌پر، شش‌پر، هفت‌پر، هشت‌پر، دوازده‌پر ساخته می‌شدند. حاوی مفاهیم رمزی و مرتبط با دین، کیهان شناسی و مقام افراد بود. این مفاهیم عبارت بودند از: احکام دین، پیامبران اولوالعزم، پنج تن آل‌عبا، خلقت و آفرینش، تجلیات وجودی خداوند، دوازده امام و سایر موارد بوده‌اند. در پاسخ به سوال دوم این پژوهش می‌توان گفت: که در ابتدای دوره قاجار تعداد پره‌های نشان‌ها بر اساس درجه‌ی فرد خدمت کننده بین پنج‌پر تا هشت‌پر بوده و در اندازه‌های کوچک از طلا و نقره و با تزئینات مینا و الماس به صورت نقش ستاره ساخته می‌شده‌اند و تنها مدال نویان سردار اعظم، دارای طرح جقه مانند و از الماس بوده است و به مرور در زمان ناصرالدین شاه تعداد پره‌های نشان‌ها به دوازده عدد افزایش یافت و علاوه بر نقش ستاره‌ای شکل مدال‌ها دوازده ستاره کوچک نیز به اضلاع شعاع مانند مدال افزوده شد که بنا به مفاهیم عددی دوازده می توان گفت: این پره‌های دوازده‌گانه در مدال‌های نظامی نماد دوازده امام بوده است و چون در آن زمان شاهنشاه به عنوان پیشوای ملت به حساب می‌آمد این مدال را مختص خود ساخته است تا به پاس پیوند دوستی و یگانگی به سلاطین بزرگ، وزراء اهدا کند از طرفی دو ستاره دوازده‌پر را می‌توان نشان یک روز کامل و دوازده ستاره کوچک را دوازده ماه سال در نظر گرفت. علاوه براین حمایل‌های که برای آویزان کردن مدال‌ها استفاده شده، براساس رنگ، دارای معانی بوده‌اند از جمله: حمایل‌های سبز نماد بهشت و باغ، سلامت، نمادهای معنوی و نشان خاندان پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) بوده‌اند و حمایل‌های آبی رنگ نماد بهشت و عرفان بوده است.

منابع

- آزمون، زینب. (۱۳۹۴). *نشان‌ها و مدال‌های قاجاریه*، تهران: پازینه
- البهنسی، عفیف. (۱۳۹۱). *هنر اسلامی*، (ترجمه محمود پورآقاسی). تهران: سوره مهر
- انوری، حسن. (۱۴۰۰). *فرهنگ فشرده سخن*، انتشارات سخن
- بوذری، علی. (۱۳۸۹). رساله نشان‌های دولت ایران: نخستین کتاب چاپی غیر داستانی مصور، *کتاب ماه*، ۱۴(۳)، ۷۰-۷۵
- بیک محمدی، نسرین، مرادی محتشم، سپیده. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی نقوش سفال‌های قرون میانه اسلامی با صورت‌های فلکی، نشریه مطالعات باستان شناسی پارسه، ۶، ۱۲۳-۱۴۱
- حسینی، سید هاشم، فراشی ابرقویی، حسین. (۱۳۹۳). تحلیل جنبه‌های نمادین شیعی در تزئینات مسجد جامع یزد، *نگره*، ۹(۲۹)، ۳۳-۴۳
- دروویل، گاسپار. (۱۳۷۰). *سفر در ایران*، (ترجمه منوچهر اعتماد مقدم). تهران: شباویز

- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۵). لغت‌نامه دهخدا، جلد چهارم (بسیطه-تبورک) زیر نظر: دکتر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۵). لغت‌نامه دهخدا، جلد سیزدهم (گیاه- معتم) زیر نظر: دکتر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران
- ژیران، ف.، لاکوئه، ک، دلاپورت، ل. (۱۳۷۵). *اساطیر آشور و بابل*، (ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور). تهران: انتشارات فکر روز
- سید بنکدار، سید مسعود. (۱۳۹۵). بررسی جایگاه و عملکرد تاج قزلباش در تحولات سیاسی دوره صفویه، *شیعه شناسی*، ۱۴(۵۶)، ۱۹۵-۲۱۸
- شیمل، آنه‌ماری. (۱۳۹۰). *راز اعداد*، (ترجمه فاطمه توفیقی). قم: دانشگاه ادیان و مذاهب
- شوالیه، ژان، و گربران، آلن. (۱۳۸۲). *فرهنگ نمادها: اساطیر، رویاها، رسوم و ...* (ترجمه و تحقیق سودابه فضایلی). جلد سوم، تهران: جیحون
- شهنام‌پور، منوچهر. (۱۳۸۴). *مدال‌ها و یادبودها؛ قاجار و پهلوی*، تبریز: نشر اختر
- شهیدی، یحیی. (۱۳۵۰). نشان‌های دوره قاجار، *بررسی‌های تاریخی*، ۳۴، ۱۸۴-۲۴۰
- طهوری، نیر. (۱۳۸۱). کاشی‌های زرین‌فام دوره ایلخانان مغول، *کتاب ماه هنر*، ۴۵-۴۶، ۷۲-۸۱
- علیزاده بیرجندی، زهرا، حمیدی، سمیه، ملک زاده، الهام. (۱۳۹۶). واکاوی خاستگاه و کارکردهای نشان‌های دولتی عصر قاجار، جستارهای تاریخی، ۸(۱)، ۷۹-۹۸
- _____ (۱۲۷۸ق). فلک السعاده، چاپ سنگی، دارالطباعه میر محمد باقر طهرانی
- کسروی، احمد. (۱۳۵۲). *کاروند کسروی: مجموعه ۷۸ رساله و گفتار از احمد کسروی*، به کوشش یحیی ذکاء، تهران: موسسه انتشارات فرانکلین
- کریچلو، کیت. (۱۳۸۹). *تحلیل مضامین جهان‌شناختی نقوش اسلامی*، (ترجمه سید حسن آذرکار). تهران: نشر حکمت
- گلبن، محمد. (۱۳۴۷). کتابچه تربیت افواج قاهره، بررسی‌های تاریخی، ۲، ۵۱-۶۷
- مشیری، محمد. (۱۳۵۴). *نشان‌ها و مدال‌های ایران از آغاز سلطنت قاجاریه تا امروز*، تهران: انتشارات اشرفی
- مشیری، محمد. (۱۳۵۰). نشان‌ها و مدال‌های ایران از آغاز سلطنت قاجاریه تا امروز، *بررسی‌های تاریخی*، ۳۷، ۱۸۵-۲۲۰
- ملک‌زاده بیانی، بانو. (۱۳۴۹). معرفی یک اثر مهم هنری و تاریخی مدال بهرام سوم ساسانی، *بررسی‌های تاریخی*، ۵(۱)، ۱-۱۵
- میراندا بوروس، میتفورد. (۱۳۹۴). دایره‌المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها، (ترجمه معصومه انصاری، جبیب بشیرپور، تهران: ستاره سبز
- نصرتی، مسعود. (۱۳۸۵). نگاره‌های نمادین در نمد، پیشینه تاریخی، کتاب ماه هنر، ۹۳-۹۴، ۱۱۸-۱۲۸
- والی، زهره. (۱۳۷۹). *هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری*، تهران: اساطیر
- واندروردن، بارتل ل. (۱۳۷۲). پیدایش دانش نجوم، (ترجمههمایون صنعتی زاده)، تهران:موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ورجاوند، پرویز (۱۳۸۴). کاوش رصدخانه مراغه و نگاهی به پیشینه دانش ستاهر شناسی در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر
- هوهنه‌گر، آلفرد(۱۳۶۶). *نماد و نشانه‌ها، (ترجمه علی صلحجو)*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

1. Demorgan.M. J. (1905). Memoires public sous. La derection De M. J Demorgan.tome v.III.Recherchs Archologi Ques. Troisieme Serie
2. Bakhtiar, laleh. (1960). Sufi, Thames and Hudson, Netherlands

در حال ویرایش